



اوضاع افتضاح دانش آموزان ایرانی در درس ریاضی



قبول می کند که کار خود را ادامه دهد و طرف مقابل زیر این توافق می زند، چرا باید به آن ها اعتماد کنند؟ توافقی که به خوبی داشت کار می کرد و اختیارات لازم را برای نظارت به مدیرکل آژانس داده بود، چرا غربی ها اجرا نکردند؟ طبق ۱۵ گزارشی که مدیرکل آژانس ارائه کرد، ایران دقیقاً به مَرّ برجام عمل کرد. در حال حاضر باید دید با چه ترفندی می توانیم این بهانه را از دست آن ها بگیریم و این وضعیت را کنترل کنیم.»

▼ نباید میز مذاکره را به هم زد

جواد قربان اوغلی، سفیر سابق ایران در آفریقای



جنوبی نیز درباره تأثیر اظهارنظرهای ویتکاف و عراقچی بر مذاکره به هم میهن گفت: «چنین اظهاراتی قبل از دور چهارم مذاکرات نیز رخ داد و دور چهارم با تعویق روبه رو شد. آقای ویتکاف مصاحبه خوبی نکرد. ابتکار عمل از سوی ایران و طرف عمانی و نرمش آمریکایی ها در دور چهارم باعث شد که از این دوره عبور کنیم. تصور بر این بود که آمریکایی ها با این روش و ایجاد فضای روانی خاص به دنبال امتیازات بیشتر هستند. بعد از دور چهارم که دوباره این مسئله تکرار شد، من علت این مسئله را در دو موضوع می بینم؛ یکی شخصیت ترامپ که متأسفانه شخصیت نرمال سیاسی پایداری را ندارد و به قول قدیمی ها با یک مویز گرمی اش می کند و با یک غوره هم سردی اش. شخصیت او تحت تأثیر عوامل متعددی است. اما مهم تر از آن، علت را نقش آفرینی و لابی های اسرائیل در آمریکا می دانم. واقعیت این است که نتانیاهو به هیچ عنوان نمی خواهد مذاکره بین ایران و آمریکا انجام شود. او بارها در دوره بایدن و پیش و پس از آن تلاش می کند آمریکا را وادار به جنگ با ایران کند که تاکنون موفق نشده است.»

او ادامه داد: «نتانیاهو در آن ملاقاتی که با ترامپ در کاخ سفید داشت، سناریوی لیبی را مطرح کرد. این را گفت چون می دانست ایران در برابر تعطیلی برنامه غنی سازی خود مقاومت می کند. نه ایران لیبی است، نه تاسیسات و دانش هسته ای خود را مجانی به دست آورده است که مجانی بخواهد آن را کنار بگذارد. علاوه بر این دومرد، مجموعه سناتور ها، اعضای مجلس نمایندگان و دولتمردان ضد ایرانی در واشنگتن هم هستند که نباید آنها را فراموش کرد. به خصوص اعضای کنگره در هر دو مجلس که بر این حوزه تأثیرگذار هستند و بر اساس قانون آمریکا، هر توافق هسته ای با ایران باید به تأیید آنها برسد. معتقدم که ایران در چنین فضایی، مسیر خوبی را در پیش گرفته است. آقای عراقچی چند توثیث درباره ادامه مذاکرات و پایبند بودن به دیپلماسی نوشت و بر این موضوع تأکید می کند که ایران سمت سلاح هسته ای نخواهد رفت. همچنین این موضوع را مطرح کرد که صحبت های رسانه ای آمریکایی با آنچه در میز مذاکره می گذرد، متفاوت است. بنابراین، ما نباید عجله کنیم و مذاکرات را به هم بزنیم. اگر ترامپ تسلیم این فشارها نشود، به میز مذاکره برمی گردد و غنی سازی ۳/۶۷ را خواهد پذیرفت. همچنین یک گمانه زنی خاصی این روزها شنیده می شود که روزنامه گاردین آن را منتشر کرد و مدعی شد که طرف مقابل خواستار تعلیق برنامه غنی سازی به مدت سه سال شده است. این پیشنهاد را هم باید با ظرافت و احتیاط بررسی کرد و دید که طرف مقابل چه تضمین و چه امتیازهایی می دهد، همان چیزی که پس از توافق سعدنادر رخ داد و بعد آقای احمدی نژاد آمد زیر آن زد و بعد ۶ قطعنامه شورای امنیت را گرفتیم.»

این دیپلمات پیشین تأکید کرد: «صحت های اخیر علی خامنه ای شمنی که ترامپ هم آن را بازنشر کرد، عجولانه بود. به نظر من او کمی درگیر رقابت های داخلی شده است. حرف هایی را زد که نباید می زد. متأسفانه کشمکش های داخلی روی این مسئله تأثیرگذار شده و طرف مقابل هم سوءاستفاده می کند. این مسیر می تواند بازی شیطانی نتانیاهو را به هم بزند. به نحوی که ایران صنعت و امکانات هسته ای خود را داشته و سانتر فیزیوژها برپا باشد اما گازدهی نشود. اگر این پیشنهاد با آن تضمین و امتیازهایی که اشاره کردم به ایران ارائه شود؛ نباید به راحتی از آن بگذریم. مثلاً این امتیازها می تواند رفع تحریم های ثانویه و فراهم شدن فضا برای حرکت به سمت تحریم های اولیه باشد.»



شفاف در اختیار ریاست محترم جمهور قرار دهند تا اگر مشخص شد که تکذیبیه وزارت راه در خصوص سفر خانم صادق، صادقانه نبوده است، آقای دکتر پزشکیان با استناد به آموزه های نهج البلاغه، انشاء الله تصمیمی که در خصوص آقای دبیری گرفتند را تکرار بفرمایند.»



مهدی کوچک زاده دیگر نماینده تهران نیز در کانال ابتای خود مطلبی با عنوان «تهمت های قدرت طلبان به ثابتی آغاز می شود چون به جنگ مرفهان بی دریغ رفته است» به این سفر واکنش نشان داده و نوشت: «برادر عزیزم دکتر امیر حسین ثابتی در جلسه امروز مجلس از رفتار فاه طلبانه و اشرافی یکی دیگر از وزرا پرده برداشته. می دانم مجدداً مورد هجوم مشتکی از خودراضی قدرت طلب قرار خواهد گرفت و به او تهمت ها خواهند زد؛ ایرادها خواهند گرفت و برای فریب عوام، سوالات سخیفی از این قبیل مطرح خواهند کرد.»



علی اصغر نخعی راد، نماینده مشهد نیز در صدد حمایت از ثابتی برآمده و در گفت و گو با راه دیالمه از پزشکیان خواست که منتظر استیضاح خانم وزیر نمانند و او را عزل کند: «ما جرای سفر خانم صادق، یک رسوایی آشکار است و نباید آقای رئیس جمهور منتظر بماند تا مجلس برای استیضاح ایشان اقدام کند. اینکه یک وزیر به خود اجازه دهد تا اعضای خانواده، حتی بستگان درجه دو و سه اش را با هزینه بیت المال و نزدیک به یک میلیارد تومان به سفر ببرد، واقعاً موضوعی است که به حیثیت دولت لطمه جدی وارد می کند و بهتر است خود رئیس جمهور ایشان را عزل کند. تکذیبیه ای که از سوی وزارتخانه صادر شد، بعداً با مدارک و شواهد نقض شد و مشخص گردید که سفر واقعاً انجام شده، هزینه ها نیز واقعاً پرداخت شده است. تنها ادعا شده که این هزینه ها توسط خود وزیر پرداخت شده که به نظر می رسد خلاف واقع باشد و هیچ سند معتبری در تأیید این ادعا ارائه نشده است. فرض کنیم این هزینه ها از طرف شخص وزیر پرداخت شده باشند، باز هم این نحوه سفر رفتن و این سطح از زندگی اشرافی در تضاد کامل با شأن و سبک زندگی مدیران نظام جمهوری اسلامی است و خود می تواند دلیلی برای برکناری ایشان باشد. اینکه این هزینه ها از بیت المال پرداخت شده، این موضوع می تواند وجهه مجرمانه داشته باشد و باید به قوه قضائیه معرفی شوند تا اتهامات احتمالی نظیر اختلاس و تخلف مالی در مراجع ذی صلاح کیفری مورد بررسی قرار گیرد.»

راهکارهایی برای آن پیدا کرد اما این موضوع مشخص است که اگر دو طرف بخواهند به این نقطه تفاهم برسند، باید به خطوط قرمز یکدیگر احترام بگذارند. اگر غنی سازی صفر موضع غیرقابل تغییر آن ها باشد، مذاکرات را به بن بست می کشاند. همانطور که آقای عراقچی هم گفت با توافق بی یی توافق، ایران غنی سازی را ادامه خواهد داد.»

او درباره فلسفه تأکید ایران بر حفظ حق غنی سازی و تأکید طرف آمریکایی بر تعطیلی آن گفت: «غنی سازی اورانیوم به چه معناست؟ یعنی اورانیوم از معدن استخراج و سپس تبدیل به یک زرد شده است. یک زرد به اکسید اورانیوم تبدیل می شود تا بتوان با استفاده از آن گاز هگزافلوراید تولید و به سانتر فیزیوژها تزریق کرد. تولید این گاز در تاسیسات اصفهان انجام می شود. دو نوع اورانیوم وجود دارد که به آن ها می گوئیم اورانیوم ۳۳۵ و ۲۳۸. اورانیوم ۲۳۸ قابلیت تولید انرژی ندارد. در فرایند غنی سازی، درصد ۲۳۸ بالاتر و درصد ۲۳۵ پایین تر است. هر چه درصد ۲۳۵ بالاتر برود، اصطلاحاً می گوئیم درصد غنی سازی بالاتر رفته است. غنی سازی ۳/۶۷ یعنی به این میزان اورانیوم ۲۳۵ و ۹۶/۳۳ هم از نوع اورانیوم ۲۳۸. پیچیدگی های فنی آن به کنار اما این روند در آبشار سانتر فیزیوژها انجام می شود تا در نهایت به نتیجه و مقدار مورد نظر برسند. ایران در حال حاضر این توانایی را دارد اما طرف مقابل می گوید نباید از آن استفاده کنید. ایران در حال حاضر تا ۶۰ درصد غنی سازی می کند و قابلیت غنی سازی ۹۰ درصدی هم دارد.» او اضافه کرد: «برای غنی سازی ۹۰ درصدی، به اقداماتی فنی نیاز است که شامل تغییراتی در سانتر فیزیوژها می شود. اورانیوم ۹۰ درصد قابلیت نظامی دارد. طرف مقابل چه می گوید؟ آن ها مدعی هستند کشوری که توانایی غنی سازی پیشرفته را دارد، به صورت بالقوه می تواند بمب بسازد. بنابراین، باید برنامه خود را تعطیل کند. در حالی که غنی سازی حتی در سطح ۹۰ درصد، شرط لازم ساخت بمب است اما کافی نیست. صرف غنی سازی این امکان را به کشور مذکور نمی دهد که بخواهد به سمت نظامی سازی برنامه اش برود. آن کشور باید بتواند اورانیوم فلزی هم تولید کند. چاشنی انفجاری آن را بسازد و فناوری تولید امن بمب را داشته باشد. اولین اصل در ساخت سلاح این است که ساخت آن منجر به انفجار و نابودی آن تاسیسات فرضی و آلوده سازی مناطق اطراف آن نشود. این نوع از ایمنی یک فناوری جداگانه دارد. نگهداری آن، فناوری خاص خود را دارد. تعبیه آن در کلاهک هسته ای و شلیک با پرتاب آن نیز موضوعی متفاوت است. تمام این ها فناوری های پیچیده ای دارد. بنابراین، سه سطح تولید بمب، نگهداری و استفاده از آن را در نظر بگیرید. از پلوتونیوم هم می شود سلاح هسته ای تولید کرد. بنابراین، اورانیوم غنی شده اولین گام است. طرف مقابل که غنی سازی ایران را بهانه کرده، به این موضوع اشاره نمی کند که این فناوری های پیچیده در اختیار ایران نیست. حداقل در گزارش هایی که آژانس بین المللی انرژی اتمی از برنامه هسته ای ایران می دهد، اثری از این اقدامات نیست.»

بهشتی پور ادامه داد: «وقتی کشوری آمادگی دارد برنامه هسته ای خود را تحت نظارت و کنترل بین المللی - مثل سایر کشورها - ادامه دهد و حتی پیشنهاد همکاری مشترک هسته ای داده است، چه بهانه و منطقی برای این موضوع وجود دارد؟ استدلال ایران در این مورد خیلی مهم تر است. وقتی فرایند غنی سازی حذف شود، مثل این می ماند که نخ یک تسبیح را پاره کنیم. دانه های تسبیح هستند اما تسبیحی وجود ندارد. غنی سازی نقطه وصل چرخه سوخت هسته ای است. ممکن است به ایران بگویند سوخت مورد نیاز خود را وارد کنند. با سابقه بدعهدی ها چه کند؟ قبل از انقلاب، شاه در شرکت اورودیف فرانسه سرمایه گذاری کرد با این قصد که اورانیوم غنی شده مورد نیاز ایران را تأمین کند. این شرکت نه تنها سهام ایران را بعد از انقلاب بلوکه کرد، یک گرم اورانیوم به ایران نداد. آمریکایی ها را اکثر امیر اباد در تهران را ساختند اما بعداً سوخت آن را ندادند. ایران مجبور شد ۱۰ سال بعد از انقلاب، این سوخت را از آژانتین تهیه کند. با سابقه کدام وفای به عهد و تأمین نیاز ایران در این حوزه، به پیشنهاد واردات چراغ سبز نشان دهند؟» این تحلیلگر سیاست خارجی با اشاره به تجربه بهرام، تأکید کرد: «وقتی کشوری نظارت و کنترل آژانس را می پذیرد و بر اساس برجام نیز برای اعتماد سازی در مورد برنامه خود تعهداتی بیشتر از پادمان هسته ای را نیز

خانواده، آن هم از جایگاهی چون مجلس شورای اسلامی، مستلزم دقت، انصاف و التزام به حقیقت است. مبانی قانونی و اخلاقی اقتضا می کند که مسئولان پیش از طرح هرگونه ادعا، از صحت آن اطمینان حاصل کنند، به ویژه وقتی پای آبروی افراد و شأن نهادهای حاکمیتی در میان است. وزارت راه و شهرسازی حق خود می داند که در صورت تداوم این گونه فشارسازی های غیرمستند، از طریق مجاری قانونی از جمله هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان مجلس، موضوع را پیگیری کند.»

رئیس مرکز ارتباطات وزارت راه و شهرسازی تأکید کرد: «در شرایطی که کشور بیش از هر زمان نیازمند انسجام، آرامش و تمرکز بر حل مسائل اساسی مردم است، انتظار از تربیون های رسمی، پاسداشت حقیقت، تقویت اعتماد عمومی و برپیز از تشویش اذهان جامعه است؛ نه طرح ادعاهایی که نتنها پایه و اساس مستند ندارد، بلکه مصداق بارز ورود ناروا به حریم شخصی شهروندان است.» این مصاحبه از آنجایی مبهم است که مستنداتی در این مورد در اختیار رسانه ها قرار نداد تا با انتشار آن سخنان نماینده مجلس را به ادعایی بدون مستندات تبدیل کند.

▼ واکنش نمایندگان مجلس به سفر خانم وزیر

برخی از نمایندگان تندرو نیز از نطق امیر حسین ثابتی حمایت کردند. **محمد منان رئیس، نماینده قم** نیز از وزیر خواست که هزینه های سفر لاچرگی خود را منتشر کند. او در کانال ابتای نوشت: «مسئول اطلاع رسانی وزارت راه و شهرسازی، ساعتی بعد از نطق آقای ثابتی مدعی شده که سفر خانواده وزیر محترم راه به کیش با هزینه شخصی انجام شده است. پیشنهاد می شود برای اثبات صادقانه بودن این تکذیبیه، نسبت به موارد زیر اقدام نمایند: ۱. تراکنش های بانکی مربوط به پرداخت هزینه های سفر (اعم از اسکان و...) را منتشر نمایند تا مشخص شود که هزینه ها در چه تاریخی پرداخت شده و آیا از حساب شخصی پرداخت شده یا از حساب دولتی؟ ۲. هزینه های سفر را با جزئیات شفاف سازی نمایند تا مشخص شود که این سفر لاچرگی دقیقاً چقدر هزینه داشته و آیا عدد نزدیک به یک میلیارد تومان درست است یا خیر. ۳. طبق اسناد حاصله، وزیر محترم بعد از سفر لاچرگی به کیش، عازم نمک آبرود شده اند. ۴. پیشنهاد می شود نهادهای امنیتی پاسخ سه مورد فوق را به صورت



امیر جدیدی

عکاس و روزنامه نگار



انسان موجود عجیبی است. عجیب تر از آنچه تصور کنید. انگار نه انگار که تا همین دیروز دونالد ترامپ از هیچ فرصتی برای فحش دادن و تحقیر بایدن نمی گذشت. واکنش های ترامپ به حدی اگر جره و عجیب بود که گاهی فکر می کردی اگر پایش به فرش گیر کند هم، هر چه از دهانش در بیاید را نثار بایدن می کند و نه بدترش را جلوی چشمش می آورد. حالا اما یکی دو روز پیش جو بایدن، رئیس جمهور پیشین آمریکا با انتشار عکسی، اعلام کرد که به نوعی پیشرفته و تهاجمی از سرطان پروستات مبتلا شده و شدت این سرطان به حدی است که به استخوان هایش متاستاز داده است. با این حال، پزشکان اعلام کرده اند که این سرطان قابل درمان است و... نکته جالب اما اظهارنظر ترامپ درباره بیماری بایدن بود. او در اظهارنظری همدلانه خطاب به خانواده بایدن گفت: ما بهترین و گرم ترین آرزوهایمان را برای جیل و خانواده اش داریم و برای جو بهبودی سریع و موفق آرزو می کنیم. دانشم به این فکر می کردم که این چه دنیای عجیبی است. اصلاً کسی چه می داند شاید تخم این سرطان را خود ترامپ در وجود بایدن کاشته باشد. آنقدر که هر جارسید شروع به بدگویی از او کرد. نمی خواهم در دفاع از بایدن دربیایم. اصلاً مگر می شود رئیس جمهور آمریکایی آزار شود؟ مگر می شود ظلم و ستمی که همین پیرمرد بیمار، زمانی که در مقام سناتوری ایالت «دلاور» به حمله نظامی افغانستان و عراق رأی مثبت داد را از یاد برد؟ مگر می شود از حملات پهلپادی در خاورمیانه، وقتی معاون رئیس جمهور بود به آسانی گذشت؟ مگر حمایت تمام قدش از نتانیاهو در زمان جنگ غزه بخشیدنی است؟ او کم ظلم و ستم نکرده است. با این حال انسان موجود عجیبی است. از آن عجیب تر مواجهه انسان با بیماری است. فرقی نمی کند در مقام شروترین های این عالم باشی. همین که مریض شوی، همین که چهره ات شکسته و تنت زنجور شود دل آدمیزاد به رحم می آید. فرقی نمی کند آن آدمیزاد ترامپ باشد یا...

